

تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی*

سید شعیب فاطمی^۱، رضا فلاح^۲ و علی ملکی مطلق^۳

۱ کارشناسی ارشد حسابداری، موسسه آموزش عالی آبان هراز، آمل، ایران (نویسنده مسئول).

Shoieb_fa13@yahoo.com

۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد چالوس، چالوس، ایران.

Rezafalah_a@yahoo.com

۳ کارشناسی ارشد حسابداری مدیریت، موسسه آموزش عالی آبان هراز، آمل، ایران.

Alimalekimotlagh@yahoo.com

چکیده

مالیات یکی از مواردی است که مورد توجه سازمان‌های مختلف و جامعه قرار دارد و اجتناب از مالیات، نوعی استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی، در جهت کاهش مالیات می‌باشد. بدلیل اهمیت این موضوع، پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی و همچنین تأثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه‌ی بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته است. روش پژوهش از نوع توصیفی - همبستگی بوده و اطلاعات ۱۰۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۹۵-۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفت. برای آزمون فرضیات از مدل رگرسیونی چند متغیره استفاده شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن بود که بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود ندارد و همچنین ارتباطات سیاسی علاوه بر اینکه خود به تنهایی بر اجتناب مالیاتی تأثیرگذار نیست، بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی نیز تأثیر گذار نمی‌باشد. در مورد متغیرهای کنترلی نیز نتایج نشان داد که متغیر بازده کل دارایی‌ها، دارای رابطه منفی و معنادار با اجتناب مالیاتی می‌باشد و سایر متغیرهای کنترلی ارتباط معناداری با اجتناب مالیاتی ندارند.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، ارتباطات سیاسی، تمرکز مالکیت.

* این مقاله مستخرج از پایاننامه کارشناسی ارشد می‌باشد.

۱- مقدمه

سیاست مالیاتی جسورانه یک راه قانونی با استفاده از خلاءهای موجود در قوانین مالیاتی جهت عدم پرداخت یا تاخیر در پرداخت مالیات برای شرکت‌ها هستند. از آنجا که عوامل مختلفی باعث سیاست مالیاتی جسورانه و اجتناب مالیاتی می‌گردد و از آنجا که اجتناب مالیاتی فعالیتی به ظاهر قانونی است، به نظر می‌رسد که بیشتر از فرار مالیاتی در معرض دید باشد و چون اجتناب مالیاتی در محدوده‌ای معین برای استفاده از مزایای مالیاتی است و به طور عمده قوانین محدود کننده‌ای در زمینه کنترل اجتناب مالیاتی وجود ندارد (رضا زاده و خانی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد بسیاری از شرکت‌ها درگیر اجتناب مالیاتی باشند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). هانلون و هیتزمن^۱ (۲۰۱۰) بیان می‌دارند که از دیدگاه نظری اجتناب مالیاتی، تلاش برای کاهش مالیات‌های پرداختی است (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶).

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) بیان می‌دارند بحث اجتناب مالیاتی بیشتر به نظر می‌رسد درباره شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد، زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف و جریمه شدن و ریسک گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند، ولی در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند. بنابراین اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند. بنابراین، یکی از چالش‌های پیش رو سهامداران و هیئت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن^۲، ۱۹۷۶؛ به نقل از ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶).

در بحث حاکمیت شرکتی، سازوکار مالکیت یک ابزار کنترلی اصلی تلقی می‌شود. برخی از انگیزه‌های مالکان متأثر از نظریه ذینفعان هست. براساس این نظریه چون جامعه به شرکت‌ها امکان تداوم فعالیت را فراهم می‌آورد، شرکت‌ها برای جبران این امکان از عدم پرداخت مالیات سرباز نمی‌زنند. زیرا پرداخت مالیات را پاداشی برای بوجود آمدن آن امکان می‌دانند. از طرفی دیگر نظریه نمایندگی وجود دارد، طبق این نظریه، مالکان توجه خاصی به ثروت و منافع شرکت تحت مالکیت خود دارند و هرگونه پرداخت مالیات به دارایی را فاقد ارزش و یا کم ارزش برای شرکت قلمداد می‌نمایند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). بدین جهت، میزان عدم پرداخت مالیات با نوع مالکیت ارتباط پیدا می‌کند (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳).

برقراری و حفظ ارتباط بین شرکت‌ها و دولت، معمولاً همراه با کسب مزیت رقابتی صورت می‌گیرد. هدف برخی مدیران شرکت‌ها از برقراری ارتباط، رفع محدودیت‌های مالی با کمترین هزینه است (بوباکری و همکاران^۳، ۲۰۱۲؛ به نقل از رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه شرکت‌ها بعد از برقراری ارتباطات سیاسی، دسترسی آسان‌تری به منابع مالی دارند، می‌توان ادعا کرد که وجود ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها، تصمیمات سرمایه‌گذاران را تحت الشعاع قرار می‌دهد (رضایی و ویسی حصار، ۱۳۹۳). از منظر حاکمیت شرکتی بدیهی است که شرکت‌های دارای روابط سیاسی مشکلات سازمانی شدیدی را تجربه می‌کنند. به استدلال صورت گرفته توسط محققان دانشگاهی، روابط سیاسی بازتابی از مشکل سازمانی شرکت می‌باشد. علاوه بر این وجه نقد این شرکت‌ها معمولاً توسط قدرت حاکمیت شرکتی شکل گرفته و اهداف دولت را دنبال می‌کند. با توجه به اینکه مدیران این شرکت‌ها پایبند به اهداف سیاسی هستند دولت آن‌ها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق تامین مالی ارزان و پرداخت مالیات کمتر قادر خواهد ساخت (بوباکری و همکاران^۴، ۲۰۱۲؛ به نقل از ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶).

1. Hanlon & Heitzman

2. Jensen

3. Boubakri et al

4. Boubakri et al

با توجه به موضوعات مطرح شده، در این پژوهش اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه‌ی بین تمرکز مالکیت با اجتناب مالیاتی شرکت‌ها بررسی می‌شود.

۲- مبانی نظری

تحقیقات مربوط به اجتناب مالیاتی، عموماً^۱ روی موضوعاتی نظیر اعتبارات مالیاتی، سهامداران و جامعه متمرکز شده است. با توجه به مفاهیم تئوری نمایندگی باید اذعان نمود که مدیران در خصوص افزایش ارزش شرکت پاسخگو می‌باشند و مالکین نیز درصدد ارزیابی مدیران و کارگزاران هستند تا دریابند آیا آن‌ها وظایف خود را به درستی ایفا می‌نمایند یا خیر؟ علاوه بر این آن‌ها علاقه‌مندند تا بفهمند مدیران چگونه و از چه طریق به اهداف تعیین شده دست می‌یابند. در این بین ممکن است از منظر سهامداران؛ فریب دولت و گریز از پرداخت مالیات، نه تنها توجیه پذیر باشد؛ بلکه مطلوب و پسندیده هم واقع شود. درحالی که جامعه و بخش عمومی انتظار دارند شرکت‌ها شهروندان خوبی باشند و سهم مالیات خود را به درستی و به‌موقع پرداخت نمایند و این استراتژی شرکت از منظر سایر گروه‌ها ناپسند تلقی شود. از سوی دیگر، طبق سند چشم انداز ۲۰ ساله کشور، تا پایان برنامه ۵ ساله‌ی توسعه اقتصادی کشور، دولت باید بتواند هزینه‌های جاری خود را از محل درآمدهای غیر نفتی که به طور عمده درآمدهای مالیاتی می‌باشد، تامین نماید (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). این در حالی است که آمارها نشان می‌دهند که درآمد‌های مالیاتی سهم بسیار ناچیزی از منابع درآمدی کشور را تشکیل می‌دهد (حبیبی و کمیجانی، ۱۳۹۰)؛ که در این میان، اجتناب و فرار مالیاتی در کشورها از جمله عواملی است که باعث شده تا درآمدهای مالیاتی کشورها از آنچه که برآورد شده کمتر باشد. از این رو، دولت باید در صدد افزایش درآمدهای مالیاتی خود برآید (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴)؛ و در این راستا، اهمیت مطالعات مربوط به بحث اجتناب مالیاتی و عوامل موثر بر آن بیش از پیش نمایان می‌گردد.

یکی از مهمترین ویژگی بازارهای سرمایه نوپا، مخصوصاً در کشورهای در حال توسعه، وجود سرمایه گذاران عمده و تملک بخش اعظمی از حقوق مالکانه شرکت‌ها توسط آنان است. کشور ما نیز از این قاعده مستثنی نیست. حضور سرمایه گذاران عمده، از جمله سازمان‌های بزرگ دولتی، و موسسات مالی در بازار سرمایه این سؤال را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا ساختار مالکیت می‌تواند در جهت ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا که موجب کارآتر شدن بازار و تصمیم‌گیری‌های بهتر استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی و در نتیجه تخصیص بهتر سرمایه به صنایع با ارزش افزوده بالاتر می‌شود، مؤثر باشد و یا اینکه باید تغییراتی در نحوه تخصیص سرمایه بین سهامداران مختلف، مخصوصاً نهادها، سازمان‌ها و شرکت‌های بزرگ صورت گیرد؟ در سال‌های اخیر ساختار مالکیت و تأثیر آن بر ابعاد مختلف شرکت‌ها، از جمله کیفیت سود به دلیل رواج آن در اکثر کشورها و به خصوص در میان اقتصادهای در حال رشد و بازا‌های نوپای اروپا و آسیا، به عنوان یکی از مسائل مهم در ادبیات حاکمیت شرکتی مطرح شده است (یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹). با این حال، تأثیر نظام راهبری شرکتی و ترکیب ساختار مالکیت از منظر هویت مالکان بر میزان اجتناب مالیاتی شرکت‌ها هنوز به خوبی بسط نیافته و مورد توجه قرار نگرفته است.

مالکیت متمرکز شده، شرایطی است که تعداد کمی سهامدار بزرگ بخش مهمی از سهام شرکت را در اختیار دارند (بهار مقدم و امینی نیا، ۱۳۹۳). مالکیت متمرکز ممکن است به موضوع تضاد منافع بین سهامداران اکثریت و اقلیت منجر شود. در واقع سهامداران عمده با کنترل شرکت ممکن است ترجیحات شخصی خود را تحمیل کنند، حتی اگر این خواسته‌ها بر خلاف کسانی که سهامدار اقلیت هستند، اجرا شود (آلوس^۱، ۲۰۱۲؛ به نقل از محمد آزادی و محمدی، ۱۳۹۴). مالکیت متمرکز سبب کاهش مسئله نمایندگی می‌شود و قدرت نظارت را افزایش می‌دهد. هرچه تمرکز مالکیت بیشتر باشد، کنترل بیشتری بر مدیران اعمال شده، عملکرد شرکت بهبود می‌یابد (مشایخ و عبداللهی، ۱۳۹۰). بنابراین انتظار می‌رود که تمرکز مالکیت بر رویه‌های مالیاتی تأثیر داشته باشند. مالیات سبب خروج عایدات شرکت می‌شود، اما می‌توان رویه‌هایی را در پیش گرفت، مانند سرمایه‌گذاری در طرح‌های مالیات کاه، تا از این طریق خروج جریان نقدی بابت پرداخت مالیات بر درآمد را کاهش داد (بهار

1. Alves

مقدم و امینی نیا، ۱۳۹۳). مورک و همکاران^۱ (۲۰۰۰) و مورک و ینگ^۲ (۲۰۰۴) نشان دادند در شرکت‌هایی که ساختار مالکیت آن متمرکز است، روابط سیاسی بیشتری وجود دارد، همچنین کیفیت سود گزارش شده در این شرکت‌ها پایین تر است (رضایی و ویسی‌حصار، ۱۳۹۳).

در نظام‌های اقتصادی مبتنی بر روابط، ارتباطات سیاسی یک منبع مهم ارزش برای شرکت‌های دارای روابط است. شرکت‌های دارای روابط سیاسی راحت‌تر به منابع سرمایه و مزایای دیگر از طریق ارتباطات خود دست می‌یابند که باعث می‌شود کمتر به گزارشگری مالی با کیفیت بالا متکی باشند (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). روابط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تاثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با گزارشگری مالی تحت تاثیر قرار می‌دهد. انتظار می‌رود این امر در نهایت باعث ایجاد تفاوت‌های چشمگیر، در کیفیت صورت‌های مالی شرکت‌های دارای روابط سیاسی در مقایسه با شرکت‌های بدون روابط سیاسی گردد (رضایی و افروزی، ۱۳۹۴). چنانچه شرکت‌های سیاسی به گونه‌ای فرصت طلبانه رفتار نمایند، منافع سهامداران اقلیت تحت تاثیر قرار خواهد گرفت. از سوی دیگر، اگر روابط سیاسی شرکت‌ها بصورت کارا بکار گرفته شود، این امر موجب دستیابی به اطلاعات، منابع مالی، حمایت‌های سیاسی، بهره‌مندی از فرصت‌های نابرابر در محیط کسب و کار و سودآوری بیشتر می‌شود (مهربان پور و همکاران، ۱۳۹۶). طبق نظر ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) تغییر در ساختار مالکیت موجب تغییر در میزان ارتباطات سیاسی شرکت‌ها می‌گردد، از طرفی با توجه به اینکه میزان ارتباطات سیاسی بر جسارت مدیران این گونه شرکت‌ها تأثیرگذار بوده و سطح استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را در آن‌ها افزایش می‌دهد، می‌توان انتظار داشت با دستکاری در میزان سود گزارش شده، میزان مالیات پرداختنی شرکت نیز تغییر می‌یابد. به همین خاطر لازم است که با در نظر گرفتن این نکته به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی پرداخت.

۳- پیشینه تجربی پژوهش

حبیب و همکاران^۳ (۲۰۱۷) تحقیقی با عنوان ارتباطات سیاسی، معاملات با اشخاص وابسته و انتخاب حسابرسان در اندونزی پرداختند. نتایج تحقیق آنان نشان داد شرکت‌هایی که معاملات با اشخاص وابسته دارند از طریق ارتباطات سیاسی خود تمایل به انتخاب حسابرسان کوچک (موسسات حسابرسی کوچک که از لحاظ کیفیت جزء برترین نیستند) استفاده کنند.

کیم و ژانگ^۴ (۲۰۱۶) به تحقیقی با عنوان "ارتباطات سیاسی و سیاست مالیاتی جسورانه" پرداختند. نتایج نشان داد که ارتباطات سیاسی اثر معناداری بر سیاست مالی جسورانه دارد و شرکت‌های با ارتباطات سیاسی بالاتر از سیاست‌های مالیاتی جسورانه‌تری استفاده می‌نمایند و میزان اجتناب مالیاتی بالاتری دارند.

کوستر و همکاران^۵ (۲۰۱۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که مدیران توانمند به دلیل درک بالایی که از محیط عملکردی شرکت دارند، می‌توانند تصمیمات تجاری را با استراتژی‌های مالیاتی همسو کرده و فرصت‌های برنامه ریزی مالیاتی موثر را شناسایی کنند. آن‌ها به شواهد قابل اعتمادی مبنی بر مشارکت مدیران توانمند در فعالیتهای اجتناب مالیاتی (که پرداخت مالیات نقدی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد) دست یافتند.

¹ . Morck et al

² . Morck & Yeung

³ . Habib et al

⁴ . Kim & Zhang

⁵ . Koester et al

آرمسترونگ و همکاران^۱ (۲۰۱۵) به بررسی تحقیقی با عنوان حاکمیت شرکتی، انگیزه‌ها و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج این تحقیق حاکی از رابطه‌ی مثبت بین انگیزه‌ی عدالت مدیرعامل و مدیریت مالکیتی با اجتناب از مالیات، و رابطه‌ی منفی بین استقلال هیئت مدیره و تخصص مالی اعضای هیئت مدیره با اجتناب از مالیات می‌باشد.

چیز و وایت^۲ (۲۰۱۴) رابطه‌ی بین تضاد نمایندگی و اجتناب مالیاتی را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج پژوهش حاکی از این بود که بین محوریت مدیر عامل و اجتناب مالیاتی، رابطه‌ی مثبت وجود دارد. همچنین با افزایش نظارت سهامداران نهادی رابطه‌ی بین اجتناب مالیاتی و وجود تضاد نمایندگی کاهش می‌یابد.

هارادا و نیوین^۳ (۲۰۱۱) به بررسی تاثیر تمرکز مالکیت بر پرداخت سود سهام پرداختند. نتایج آن‌ها با فرضیه کسب منافع مبنی بر وجود رابطه منفی بین نسبت سود سهام به سود و نسبت سود سهام به ارزش دفتری سهام با تمرکز مالکیت سازگار بود. همچنین، آن‌ها دریافتند که با احتمال کمی، شرکت‌های دارای مالکیت متمرکز در زمان افزایش سود یا کاهش بدهی، سود سهام نقدی خود را افزایش می‌دهند.

گنزalez و همکاران^۴ (۲۰۱۰) در پژوهشی به بررسی ارتباط بین پرداخت سود سهام و ساختار مالکیت را مطالعه کردند و به این نتیجه رسیدند که بین تمرکز مالکیت و پرداخت سود سهام، رابطه‌ی U شکلی وجود دارد که تمرکز مالکیت پایین، بر پرداخت سود سهام اثر منفی دارد و وقتی تمرکز مالکیت بالا باشد، تاثیر مثبتی بر پرداخت سود سهام دارد.

حسنی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶) به بررسی اثر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد توانایی مدیریت، تاثیر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران دارد. همچنین یافته‌ها نشان دهنده تاثیر غیر مستقیم اندازه‌ی شرکت و اهرم مالی بر اجتناب مالیاتی است.

ابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان "واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی"، به بررسی اثر مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی بر کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی اثر منفی و معناداری بر کیفیت گزارشگری مالی دارد و زمانی که درصد مالکیت دولت و یا ارتباطات سیاسی در شرکت‌ها افزایش می‌یابد، کیفیت گزارشگری شرکت‌ها کاهش می‌یابد، همچنین نتایج نشان داد که مالکیت دولتی اثر معناداری بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها ندارد، اما ارتباطات سیاسی اثر مثبت و معناداری بر اجتناب مالیاتی دارد.

صالحی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی تاثیر تمرکز مالکیت و درجه کنترل بر ارزش شرکت در صنعت بیمه پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که که تنها متغیر لگاریتم مجموع سهام سهامداران اصلی بر ارزش شرکت تاثیر گذار است و سایر متغیرها نشان دهنده رابطه‌ای بی معنا بین تمرکز مالکیت و ارزش شرکت هستند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که درجه کنترل بر ارزش شرکت تاثیر گذار نیست. علاوه بر این نوع سهامدار اصلی بر ارزش شرکت بی تاثیر است ولی عکس قضیه برقرار است یعنی ارزش شرکت بر درجه کنترل و لگاریتم مجموع سهام سهامداران اصلی که معیاری از تمرکز مالکیت می‌باشد، تاثیر گذار است.

1. Armstrong et al

2. Chyz & White

3. Harada & Nguyen

4. Gonzalez et al

رحمانی (۱۳۹۵) به بررسی رابطه‌ی بین ارتباطات سیاسی و نگهداشت وجه نقد پرداختند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین وجه نقد نگهداری شده و ارتباطات سیاسی شرکت که از طریق فعالیت‌های لابی و درصد مالکیت دولتی اندازه‌گیری شده است، رابطه‌ی منفی و معناداری وجود دارد و میزان وجه نقد نگهداری شده با افزایش هزینه‌های سیاسی، کاهش می‌یابد. رحمانی و همکاران (۱۳۹۴) به بررسی رابطه‌ی تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابزاری با اجتناب از پرداخت مالیات پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد که تفاوت مالیاتی حسابداری با اجتناب مالیاتی، رابطه معناداری دارد؛ بنابراین، افزایش اجتناب از مالیات، تفاوت مالیات تشخیصی و ابزاری را افزایش می‌دهد.

مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) به تحقیقی با عنوان "تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت" پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از وجود رابطه‌ی مثبت یا به بیانی دیگر تأیید نظریه ارزش آفرینی در رابطه‌ی بین فعالیت‌های اجتناب از مالیات و ارزش شرکت است. نتایج نشان می‌دهد که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود.

بهار مقدم و امینی‌نیا (۱۳۹۳) به بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات پرداختند. نتایج نشان داد که هر چه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های مالیاتی کمتر جسورانه عمل می‌کنند که احتمالاً "به دلیل تمرکز مالکیت بالای دولتی است.

۴- فرضیه‌های پژوهش

با توجه به مبانی نظری مطرح شده و پژوهش‌های پیشین، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین شده است:

فرضیه اول: تمرکز مالکیت با اجتناب مالیاتی در شرکت‌ها رابطه معنادار دارد.

فرضیه دوم: ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی تاثیر دارد.

۵- روش شناسی پژوهش

این تحقیق، از جهت همبستگی و روش شناسی تحقیق، از نوع شبه تجربی و پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری می‌باشد که اطلاعات مورد استفاده‌ی در آن به صورت واقعی می‌باشد. در همین راستا می‌توان گفت، نوعی تحقیق کاربردی است. همچنین این پژوهش مبتنی بر اطلاعات واقعی بازار سهام، صورت‌های مالی، یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی و گزارش‌های مجامع شرکت‌های بورس اوراق بهادار است. در این تحقیق با برداشت مستقیم اطلاعات مورد نیاز از صورت‌های مالی، ره آورد نوین و سایت سازمان بورس، مجموع داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌ها جمع آوری شده و پس از انتخاب شرکت‌های نمونه جهت انجام برخی محاسبات از نرم افزار Excel استفاده شده است. در تجزیه و تحلیل اطلاعات، از مدل‌های رگرسیون خطی چند متغیره استفاده شده و برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews نسخه ۹ استفاده شده است. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و قلمرو زمانی تحقیق از سال ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵ می‌باشد. در پژوهش حاضر کلیه شرکت‌های جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده‌اند به عنوان نمونه انتخاب و بقیه حذف شده‌اند.

الف) به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، پایان سال مالی آنها ۲۹ اسفند ماه باشد.

ب) جزء شرکت‌های مالی (مثل بانک‌ها، موسسات بیمه) و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.

پ) در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداشته باشند.

ت) اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در دسترس باشند.

با توجه به محدودیت‌های اعمال شده تعداد ۱۰۴ شرکت انتخاب شده‌اند.

۶- مدل‌های پژوهش و متغیرهای آن

در این تحقیق برای آزمون فرضیه‌ها به ترتیب از دو مدل رگرسیونی زیر استفاده شده است:

(1)

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{CONOWN}_{it} + \beta_2 \text{SIZE}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{ROA}_{it} + \beta_5 \text{GROWTH}_{it} + \beta_6 \text{AGE}_{it} + \varepsilon_{it} \quad (2)$$

$$\text{Tax Avoidance}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{CONOWN}_{it} + \beta_2 \text{PCON}_{it} + \beta_3 (\text{CONOWN}_{it} * \text{PCON}_{it}) + \beta_4 \text{SIZE}_{it} + \beta_5 \text{LEV}_{it} + \beta_6 \text{ROA}_{it} + \beta_7 \text{GROWTH}_{it} + \beta_8 \text{AGE}_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر وابسته:

Tax Avoidance_{it}: اجتناب مالیاتی در این تحقیق، به پیروی از بالا کریشن و همکاران^۱ (۲۰۱۲) از نرخ موثر مالیاتی دفتری استفاده شده است که به صورت نسبت هزینه مالیات بر درآمد تقسیم بر سود قبل از مالیات، تعریف می‌شود؛ که این نسبت با اجتناب مالیاتی رابطه معکوس دارد.

متغیر مستقل:

CONOWN_{it}: تمرکز مالکیت در این تحقیق، به پیروی از آستامی و تاور^۲ (۲۰۰۶) به این صورت تعریف شده است: مجموع سهام اشخاص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۱۰ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند. این درصد از طریق اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی شرکت‌ها محاسبه می‌شود (حساس یگانه و شهریاری، ۱۳۸۹).

متغیر تعدیل‌گر:

PCON_{it}: ارتباطات سیاسی در این تحقیق، طبق مطالعه نیکومرام و همکاران (۱۳۹۲) نشانه‌های ارتباط سیاسی شرکت عبارتند از وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده دولتی و شبه‌دولتی در ساختار مالکیت شرکت، که این متغیر با مقدار یک و صفر نشان داده می‌شود. در صورت وجود ارتباطات سیاسی، مقدار آن یک و در غیر آن صورت صفر می‌باشد.

متغیرهای کنترلی:

SIZE_{it}: بیانگر اندازه‌ی شرکت *i* در سال *t* می‌باشد. در این تحقیق مطابق با مطالعه سلیمانی و همکاران (۱۳۹۷) برای محاسبه‌ی اندازه‌ی شرکت از لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌ها استفاده گردید.

LEV_{it}: بیانگر اهرم مالی شرکت *i* در سال *t* است که از تقسیم بدهی‌ها بر کل دارایی‌ها بدست آمده است. طبق نظر هانلون و هیتزمن^۳ (۲۰۱۰) اهرم مالی می‌تواند عاملی موثر بر اجتناب مالیاتی باشند (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳).
ROA_{it}: بیانگر بازده دارایی‌های شرکت *i* در سال *t* می‌باشد. با توجه به اینکه مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، در نتیجه، سودآوری می‌تواند عاملی موثر بر انگیزه‌ی اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد. بنابراین، متغیر سودآوری که از تقسیم درآمد قبل از کسر مالیات بر کل دارایی‌ها بدست آمده، به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شد (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴).

GROWTH_{it}: بیانگر میزان رشد شرکت *i* در سال *t* می‌باشد، که بوسیله تفاوت میزان فروش نسبت به سال گذشته شرکت محاسبه می‌گردد (مهرانی و سیدی، ۱۳۹۳).

¹. Balakrishnan et al

². Astami & Tower

³. Hanlon & Heitzman

AGEit: بیانگر سن شرکت i در سال t می‌باشد. که از طریق لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت برای اولین بار در بورس پذیرفته شده است بدست می‌آید (آقایی و همکاران، ۱۳۹۵).

۷- یافته‌های پژوهش

۷-۱- آماره‌های توصیفی

با توجه به اینکه اطلاعات و داده‌های موردنظر همگی کمی هستند برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل اولیه از آمار توصیفی استفاده شده است. هدف از ارائه این بخش ارائه داده‌های آماری اولیه معرف ویژگی متغیرهای مورد مطالعه در میان شرکت‌های نمونه آماری می‌باشد. این هدف باعث می‌شود تا بدانیم با چه مبنایی سر و کار داریم و مبنایی برای تحلیل‌های خود در اختیار داشته باشیم زیرا شناخت ما را در تعمیم نتایج و تحلیل ارتباطات بین متغیرهای اساسی تحقیق یاری خواهد نمود.

خلاصه ویژگی‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در آزمون فرضیات تحقیق در قالب آماره‌های توصیفی در جدول شماره ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی

متغیر	نماد	میانگین	میانه	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
اجتناب مالیاتی	Tax Avoidance	۰/۰۹۸۳۹۲	۰/۰۸۹۴۶۱	۰/۸۶۳۳۱۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۹۶۸۳۴
تمرکز مالکیت	CONOWN	۰/۶۰۲۵۴۸	۰/۶۷۵۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۶۷۵۹۵
ارتباطات سیاسی	PCON	۰/۵۳۲۶۹۲	۱/۰۰۰۰۰۰	۱/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۴۹۹۴۱۱
اندازه شرکت	SIZE	۱۳/۸۸۱۸۲	۱۳/۸۳۶۳۸	۱۹/۰۵۰۶۵	۱۰/۵۳۲۹۵	۱/۱۹۱۵۶۸
اهرم مالی	LEV	۰/۶۴۲۱۳۵	۰/۶۲۸۴۷۵	۳/۲۲۳۴۲۰	۰/۰۶۵۷۶۰	۰/۳۲۲۲۱۱
بازده کل دارایی‌ها	ROA	۰/۱۰۸۵۳۸	۰/۰۹۶۰۳۵	۰/۶۲۸۶۴۰	-۰/۷۸۹۶۴۷	۰/۱۸۱۶۴۴
رشد شرکت	GROWTH	۱۸۶۸۰۵/۵	۶۰۸۰۱/۰۰	۳۲۴۷۵۱۰۱	-۲۰۲۷۹۴۳۸	۲۳۳۷۴۰۲
سن شرکت	AGE	۳/۳۵۲۱۴۳	۳/۲۹۵۸۳۷	۴/۵۵۳۸۷۷	۲/۰۷۹۴۴۲	۰/۴۹۱۳۰۶

۷-۲- آمار استنباطی

برای آزمون فرضیه‌های تحقیق ابتدا باید متغیرهای تحقیق محاسبه شود. سپس متغیرهای محاسبه شده در مدل‌های مربوط قرار داده شده و فرضیات تحقیق مورد آزمون قرار گیرد. در ادامه نتایج مربوط به هر یک از فرضیات تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد

۷-۲-۱- آزمون فرضیه اول

نتایج مربوط به برآورد مدل اول در جدول شماره ۲ ارائه شده است:

جدول ۲. برآورد مدل آزمون فرضیه اول

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	PROB	نوع رابطه
-------	------	--------------	-----------	------	-----------

ضریب ثابت	۰/۲۷۸۶۵۱	۰/۱۶۶۹۵۸	۱/۶۶۸۹۹۰	۰/۰۹۵۹	بی معنی
CONOWN	۰/۰۰۷۸۸۲	۰/۰۲۲۸۹۵	۰/۳۴۴۲۷۰	۰/۷۳۰۸	بی معنی
SIZE	۰/۰۰۱۳۹۸	۰/۰۱۳۸۸۷	۰/۱۰۰۶۷۴	۰/۹۱۹۹	بی معنی
LEV	-۰/۰۱۹۳۷۴	۰/۰۲۰۸۳۴	-۰/۹۲۹۹۲۷	۰/۳۵۳۰	بی معنی
ROA	۰/۱۲۰۹۸۷	۰/۰۳۲۹۴۴	۳/۶۷۲۴۹۹	۰/۰۰۰۳	مثبت و معنادار
GROWTH	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۷۷۱۱۲	۰/۷۸۱۸	بی معنی
AGE	-۰/۰۶۱۲۰۶	۰/۰۶۳۳۲۳	-۰/۹۶۶۵۶۱	۰/۳۳۴۳	بی معنی
	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F	دوربین-واتسون
آماره ها	۰/۷۰۱۲۴۱	۰/۶۲۱۸۱۵	۸/۸۲۸۸۳۹	۰/۰۰۰۰۰۰	۲/۲۰۱۷۴۲

همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، ضریب تعیین این مدل تقریباً ۷۰/۱۲۴۱ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است. به منظور بررسی عدم وجود خود همبستگی در مدل از آماره دوربین - واتسون استفاده می‌شود. این آماره، بر اساس یافته‌ها عدد ۲/۲۰۱۷۴۲ می‌باشد. چنانچه این آماره در بازه ۱/۵ تا ۲/۵ قرار بگیرد H_0 آزمون یعنی عدم وجود همبستگی بین باقیمانده پذیرفته می‌شود و در غیر اینصورت H_0 رد می‌شود یعنی می‌توان پذیرفت که بین باقیمانده‌ها همبستگی وجود دارد. وجود خود همبستگی در پسماند-های مدل یکی از شایع‌ترین و مهم‌ترین مشکلاتی است که در تحلیل‌های رگرسیونی با آن برخورد می‌شود. در صورت وجود خودهمبستگی، تخمین پارامترها بدون تورش خواهند بود ولی تخمین‌ها ناکارآمد می‌باشند. این ناکارایی حتی در نمونه‌های بزرگ نیز از بین نمی‌رود که این امر منجر به استنتاج‌های نادرست می‌شود (هادیان و ایزدی، ۱۳۹۳). با توجه به آماره به دست آمده می‌توان بیان نمود که در مدل بیان شده عدم وجود خود همبستگی بین باقیمانده پذیرفته می‌شود و در این مدل خود همبستگی مرحله اول وجود ندارد (تأیید یکی از مفروضات رگرسیون). به علاوه مقدار سطح معنی داری آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

با توجه به آماره t ، مقدار ضریب برآورد شده و سطح معنی داری محاسبه شده برای متغیر مستقل تمرکز مالکیت (CONOWN) که بیشتر از سطح ۵ درصد می‌باشد، فرض صفر پذیرفته می‌شود. در نتیجه می‌توان اظهار داشت بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی ارتباط معناداری وجود ندارد. همچنین با توجه به ضریب و آماره t و سطح معناداری متغیر بازده کل دارایی‌ها، دارای رابطه مثبت و معنادار با نسبت هزینه مالیات تقسیم بر سود قبل از مالیات و در نتیجه رابطه منفی و معنادار با اجتناب مالیاتی می‌باشد. همچنین سایر متغیرها ارتباط معناداری با اجتناب مالیاتی ندارند.

۷-۲-۲- آزمون فرضیه دوم

نتایج مربوط به برآورد مدل دوم در جدول شماره ۳ ارائه شده است:

جدول ۳. برآورد مدل آزمون فرضیه دوم

متغیر	ضریب	انحراف معیار	آماره t	PROB	نوع رابطه
ضریب ثابت	۰/۲۲۷۶۱۴	۰/۱۷۰۲۰۰	۱/۳۳۷۳۲۸	۰/۱۸۱۹	بی معنی
CONOWN	-۰/۰۰۴۱۲۲	۰/۰۳۵۸۱۴	-۰/۱۱۵۰۸۶	۰/۹۰۸۴	بی معنی
PCON	۰/۰۲۶۲۳۵	۰/۰۳۱۵۱۱	۰/۸۳۲۵۵۶	۰/۴۰۵۶	بی معنی
CONOWN*PCON	۰/۰۳۲۹۳۹	۰/۰۴۴۹۶۲	۰/۷۳۲۵۹۷	۰/۴۶۴۲	بی معنی
SIZE	۰/۰۰۳۵۴۲	۰/۰۱۳۸۵۰	۰/۲۵۵۷۱۵	۰/۷۹۸۳	بی معنی

LEV	-۰/۰۲۳۲۴۳	۰/۰۲۰۸۰۶	-۱/۱۱۷۱۱۶	۰/۲۶۴۶	بی معنی
ROA	۰/۱۲۵۲۹۶	۰/۰۳۳۳۰۷	۳/۷۶۱۸۲۷	۰/۰۰۰۲	مثبت و معنادار
GROWTH	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۰۰۰۰۰۰	۰/۲۲۷۷۵۰	۰/۸۲۰۰	بی معنی
AGE	-۰/۰۵۹۵۰۴	۰/۰۶۳۲۰۳	۰/۹۴۱۴۶۷	۰/۳۴۷۰	بی معنی
	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده	آماره F	احتمال آماره F	دوربین - واتسون
آماره ها	۰/۷۰۵۶۳۶	۰/۶۲۵۵۵۱	۸/۸۱۱۱۴۲	۰/۰۰۰۰۰۰	۲/۱۸۱۰۱۵

همانگونه که نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، ضریب تعیین این مدل تقریباً ۰/۷۰۵۶۳۶ است. این عدد نشان می‌دهد که حدود ۷۱ درصد تغییرات متغیر وابسته، توسط متغیرهای مستقل مذکور قابل تبیین است. مقدار آماره دوربین - واتسون عدد ۲/۱۸۱۰۱۵ می‌باشد. بر این اساس می‌توان بیان نمود که در مدل بیان شده عدم وجود خود همبستگی بین باقیمانده پذیرفته می‌شود و در این مدل خود همبستگی مرحله اول وجود ندارد. به علاوه مقدار سطح معنی داری آزمون F کوچکتر از ۵ درصد است و از آنجائیکه آماره F اعتبار کلی مدل را نشان می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت این مدل با سطح اطمینان ۹۵٪ معنی دار بوده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

با توجه به آماره t، مقدار ضریب برآورد شده و سطح معنی داری محاسبه شده برای تاثیر تعدیلی ارتباطات سیاسی بر تمرکز مالکیت (CONOWN*PCON) که بیشتر از سطح ۵ درصد می‌باشد، فرض صفر پذیرفته می‌شود. در نتیجه می‌توان اظهار داشت ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی تاثیر گذار نیست. همچنین با توجه به ضریب و آماره t و سطح معناداری متغیر بازده کل دارایی‌ها، دارای رابطه مثبت و معنادار با نسبت هزینه مالیات تقسیم بر سود قبل از مالیات و در نتیجه رابطه منفی و معنادار با اجتناب مالیاتی می‌باشد. همچنین سایر متغیرها ارتباط معناداری با اجتناب مالیاتی ندارند.

۸- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در این پژوهش، اطلاعات مالی ۱۰۴ شرکت غیرمالی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۱ الی ۱۳۹۵، مورد بررسی قرار گرفت. هدف از پژوهش انجام شده، بررسی تاثیر ارتباطات سیاسی بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. در این تحقیق از مدل رگرسیونی چندمتغیره جهت آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. نتیجه فرضیه اول پژوهش حاضر حاکی از آن بود که بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی رابطه معنی داری وجود ندارد. از نتایج تحقیق چنین بر می‌آید که چنانچه میزان تمرکز مالکیت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران متغیر باشد تاثیری بر نسبت هزینه مالیات بر درآمد بر سود قبل از مالیات شرکت و در واقع تاثیری بر میزان مالیات تعلق گرفته و پرداختی شرکت و اجتناب از مالیات شرکت ندارد. یعنی کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت‌ها بر استفاده از خلاءهای قانونی در قوانین مالیاتی جهت کاهش مالیات تاثیری ندارد. این می‌تواند بدلیل جدایی مالکیت از مدیریت باشد و اینکه مدیران شرکت‌ها در تدوین استراتژی‌های مالیاتی خود تحت نفوذ فشارهای وارده از سوی سهامداران عمده قرار نمی‌گیرند؛ که با نتایج پژوهش بهار مقدم و امینی‌نیا (۱۳۹۳) متفاوت است. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که رابطه منفی و معناداری بین تمرکز مالکیت و اجتناب از مالیات وجود دارد. نتیجه فرضیه دوم پژوهش ما این است که ارتباطات سیاسی علاوه بر اینکه خود به تنهایی بر اجتناب مالیاتی تاثیر گذار نیست، بر رابطه بین تمرکز مالکیت و اجتناب مالیاتی نیز تاثیر گذار نمی‌باشد. یعنی اگر شرکتی دارای روابط سیاسی باشد مثلاً "وجود اعضای هیئت مدیره وابسته به دولت، مجلس، نهادهای سیاسی و یا وجود سهامدار عمده دولتی و شبه دولتی در ساختار مالکیت شرکت، تاثیر بخصوصی بر اینکه شرکت‌های دارای تمرکز مالکیت بالا یعنی با کنترل مطلق بالای سهامداران عمده دست به اقدامات اجتناب از مالیاتی و کاهش پرداخت مالیاتی بزنند یا نزنند ندارد. این می‌تواند بخاطر آن باشد که شرکت‌های دارای روابط و پشتوانه‌ی سیاسی بدلیل دارا بودن امتیازات بسیار متنوع، دیگر الزاماً نیازی به اتخاذ سیاست‌های اجتناب از مالیاتی ندارند به همین خاطر تمایلی به تغییرات در سیاست‌های مالیاتی بخاطر فشارهای وارده از طرف سهامداران عمده ندارند. همچنین در مورد متغیرهای کنترلی

نیز نتایج نشان داد که متغیر بازده کل دارایی‌ها، دارای رابطه مثبت و معنادار با نسبت هزینه مالیات تقسیم بر سود قبل از مالیات و در نتیجه رابطه منفی و معنادار با اجتناب مالیاتی می‌باشد و سایر متغیرهای کنترلی ارتباط معناداری با اجتناب مالیاتی ندارند.

با توجه به نتایج تحقیق، به سازمان امور مالیاتی، ممیزان مالیاتی و حسابرسان پیشنهاد می‌شود تا در بررسی‌های اجتناب مالیاتی، به مبحث کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت‌ها توجهی ننمایند و تمرکز خود را بر روابط سیاسی شرکت‌ها نگذارند. به محققان پیشنهاد می‌شود که پژوهش حاضر را با استفاده از سایر معیارهای اجتناب از مالیات مانند نرخ موثر مالیاتی نقدی یا تفاوت سود مشمول مالیات و سود حسابداری انجام دهند و از درصد سهام بزرگ‌ترین سهامدار یا سه سهامدار بزرگ به عنوان معیار تمرکز مالکیت استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود پژوهشی در رابطه با مطالعه‌ی تاثیر سازوکار خارجی و داخلی حاکمیت شرکتی با پیچیدگی مالیاتی و فرار مالیاتی صورت پذیرد.

۹- منابع

- آقایی، محمدعلی، حسنی، حسن، اسدی، زینب. (۱۳۹۵). اهمیت محیط اطلاعات داخلی برای اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های حسابداری مالی. ۸(۳۰). ۳۶-۱۷.
- ابراهیمی، سید کاظم، بهرامی نسب، علی، حسن زاده، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی. فصلنامه علمی-پژوهشی مدیریت سازمان‌های دولتی. ۵(۲). ۱۶۶-۱۵۱.
- بهارمقدم، مهدی، امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات. پژوهش‌های حسابداری مالی. ۶(۲۲). ۳۶-۲۳.
- حساس یگانه، یحیی، شهریاری، علیرضا. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار تهران. مجله پژوهش‌های حسابداری مالی. ۲(۲). ۹۴-۷۷.
- حسینی القار، مسعود، شعری آناقیز، صابر. (۱۳۹۶). بررسی تاثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری. ۸(۲۸). ۱۳۴-۱۰۷.
- خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، یوسفی، امین. (۱۳۹۳). اجتناب از مالیات، نحوه اندازه گیری و عوامل موثر بر آن. پژوهش حسابداری. ۴(۱۵). ۱۴۲-۱۲۱.
- رحمانی، ایرج. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین ارتباطات سیاسی و نگهداشت وجه نقد در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری. ۲(۱). ۵۳-۳۹.
- رحمانی، علی، ملانظری، مهناز، اربابی بهار، زهرا. (۱۳۹۴). بررسی رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابزاری با اجتناب از پرداخت مالیات. پژوهشنامه مالیات. ۲۳(۲۵). ۸۹-۷۱.
- رضازاده، جواد، حمیدرضا، خانی لنگی. (۱۳۹۴). تاثیر تمرکز مالکیت و مالکیت دولتی بر محافظه کاری حسابداری. دانش حسابداری مالی. ۲(۲). ۵۳-۳۳.
- رضایی، فرزین، افروزی، لیلا. (۱۳۹۴). رابطه هزینه بدهی با حاکمیت شرکتی در شرکت‌های دارای ارتباطات سیاسی. پژوهش حسابداری. ۴(۱۶). ۱۱۲-۸۵.

- رضایی، فرزین، ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۳). اثر روابط سیاسی با دولت بر رابطه بین تمرکز مالکیت با کیفیت گزارشگری مالی و هزینه ی سهام عادی. بررسی های حسابداری و حسابرسی. ۲۱(۴). ۴۷۰-۴۴۹.
- رضایی، فرزین، ویسی حصار، ثریا. (۱۳۹۲). تاثیر ریسک اطلاعاتی بر هزینه ناخالص بدهی و هزینه سهام عادی تعدیل شده شرکت ها. دانش مالی تحلیل اوراق بهادار. ۶(۱۷). ۴۴-۲۹.
- سلیمانی، ابوالفضل، شکریمان برنجستانکی، مهدیه، ناظمی، الهه. (۱۳۹۷). تاثیر ساختار هیئت مدیره بر مدیریت مالیاتی: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری. ۴(۳). ۱.
- صالحی، مهدی، بخشیان، عسل، داوطلب طوسی، فتانه. (۱۳۹۶). تاثیر تمرکز مالکیت و درجه کنترل بر ارزش شرکت در صنعت بیمه. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. ۹(۳۳). ۴۹-۲۹.
- مشایخی، بیتا، سیدی، سید جلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. مجله دانش حسابداری. ۶(۲۰). ۱۰۳-۸۳.
- مشایخی، بیتا، علی پناه، صبری. (۱۳۹۴). تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت. پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی. ۷(۲۵). ۷۰-۲۵.
- مشایخ، شهناز، عبداللهی، مهین. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت، عملکرد شرکت و سیاست تقسیم سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش های حسابداری مالی ۳(۴). ۸۶-۷۱.
- مهرانی، ساسان، سیدی، سید جلال. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکت ها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت. ۳(۱۰). ۳۳-۱۲.
- مهربان پور، مجمدرضا، جندقی قمی، محمد، محمدی، منصور. (۱۳۹۶). بررسی اثر روابط سیاسی شرکت ها بر بکارگیری معاملات غیر عادی با اشخاص وابسته. فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری. ۲(۳). ۱۶۸-۱۴۷.
- نیکومرام، هاشم، بنی مهد، بهمن، رهنمای رودپشتی، فریدون، کیایی، علی (۱۳۹۲). دیدگاه اقتصاد سیاسی و مدیریت سود. فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۶(۱۸)، ۳۱-۴۴.
- هادیان، ابراهیم، ایزدی، بهنام. (۱۳۹۳). بررسی نقش تورم در اثربخشی توسعه ی مالی بر رشد اقتصادی در ایران. فصلنامه تحقیقات توسعه اقتصادی. ۴(۱۵). ۷۲-۴۵.

Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance, *Journal of Accounting and Economics*; 60: 1-17.

Balakrishnan, K., Blouin, J.L., Guay, W. (2012). Does Tax Aggressiveness Reduce Financial Reporting Transparency? Working Paper. <http://ssrn.com/abstract=1792783>

Chyz, J.A., White, S.D. (2014). The association between agency conflict and tax avoidance: A direct approach. In *Advances in Taxation*, 21, 107-138.

Gonzalez, M, Molina. C. A. and Pablo. E., (2010). "Dividend policy and ownership structure in Latin America". *Universidad de los Andes (UNIANDES)*. 21, PP. 1-20.

Habib, A., Haris Muhammad, A., Jiang, H. (2017) Political connections, related party transactions, and auditor choice: Evidence from Indonesia. *Journal of Contemporary Accounting & Economics*, 13, Issue 1, 1-19.

Harada, K. and P. Nguyen. (2011). Ownership Concentration and Dividend Policy in Japan. *Managerial Finance*, Vol 37, No 4, Pp 362-379.

Kim, C. & Zhang, L. (2016). Corporate Political Connections and Tax Aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 78-114.

Koester, A., Shevlin, T., Wangerin, D. (2016). The role of managerial ability in corporate tax avoidance. http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=2753152.